

تاریخ ملک آرا

تألیف: میرزا علی قلی اقبال چلاوی

نسخه خطی

۰ جمشید قائمی

از چه ازیرا که اشپهند با زمان

جون که بدیدم به چشم عقل به دوران

باز نداند لبیب را از نادان

زانکه بخشند همی مگس را شکر
زانکه بیارد همی هما را ستخوان»*

* * *

در شعر دیگری گوید:

«تائیر نگاه تو به دل کارگر آمد

این خون شده مشتاق نگاه «دگر» آمد

گفتم به وصالت شبی ای مه به سر آرم
دردا که به هجران تو روزم به سر آمد

خرم دل مرغی که چو مرغ دل «اقبال»
افتاد به دام تو و بی بال و پر آمد»*

* * *

در شعر دیگری نیز گوید:

«درگه شه غیرت چرخ برین کردند باز

چرخ را از خونمن شه خوشچین کردند باز
هر شکوهی کاسمان را بود اندر طیسان

استانش را همی در آستین کردند باز
مطربان مجلس از آوای و بانگ چنگ و نی

گوش سکان فلک را پر طین کردند باز

نسخه خطی تاریخ ملک آرا اثر میرزا علی قلی متخلص به اقبال از اهالی چلاوی
آمل می‌باشد. وی در جوانی به کرمانشاه رفت و به تحصیل نظم و نثر عربی و
فارسی پرداخت. در همان شهر به سمت منشی گری شاهزاده محمدعلی میرزا
دولتشاه قاجار رسید. سپس مطابق دستور به نديمه و منشی گری تهماسب میرزا
مؤیدالدوله به همدان رفت. پس از آن در تهران به مدت دو سال نديمه على رضا
میرزا شهره پسر قفتحعلی شاه بود تا آن که همایون میرزا مامور حکومت نهادند
شد و اقبال چلاوی به مدت دو سال در خدمت او باقی ماند. بعد از آن نیز مدت سه
سال نديمه محمدقلی میرزا ملک آرا بود. سرانجام اقبال چلاوی در سال ۱۲۴۸ هـ
ق. در طی نزاعی که در زادگاهش - چلاوی روی داد، به قتل رسید. اقبال چلاوی
در فن شاعری پیرو سبک خراسانی بود و برشی از اشعارش را در لابهای صفحات
این کتاب به مناسبت‌هایی آورده است. در شرح حال خود طی قصیده‌ای می‌گوید:

«روز و شب از دور چرخ و گردش دوران

آمد میزان مرا چو کفه میزان

سالی اند است تا که دور بماندم

جون حدثان از در خدیو جهانیان

گرچه به میزان مساویند به تقریب

لیک به تحقیق بر من آمد میزان

خلقانی چند بود و آن هم خرقه

حاصل کیهان مرا نهفته ز خلقان

تا که بر انداختم زمانه هباشد

آن چه بر اندوختم ز حاصل کیهان

خلق زمان راست مثل خصم آری

کتاب با نثر خاص ابتدای دوره قاجاریه نوشته شده و پر از الفاظ منشیانه، اشعار عربی و فارسی، جملات مطول عربی و در برخی قسمت‌ها نیز آیات قرآنی است

۳. جنگ فتحعلی خان با ملک محمود سیستانی و قتل فتحعلی خان بر اثر توtheonه نادر افشار.
۴. احوال محمدحسن خان از کودکی تا سروری.
۵. تسخیر گیلان و فیروزکوه و دماوند توسط محمدحسن خان در ۱۱۶۳ ه. ق.
۶. ع رجک شاهپسند خان افغان و حسین خان قاجار در استرآباد و مازندران به دستور احمد شاه درانی و محمدحسن خان قاجار در استرآباد و شکست کریم خان.
۷. جنگ کریم خان زند و محمدحسن خان قاجار در استرآباد و شکست کریم خان.
۸. جنگ محمدحسن خان با لاریجانی‌ها.
۹. حرکت محمدحسن خان به گیلان و قزوین و جنگ با کریم خان در کلون آباد و تسخیر اصفهان و بازگشت به مازندران.
۱۰. تنبیه طایفه عزالدین لو به حکم محمدحسن خان به علت خیانت آنها.
۱۱. ظهور آزادخان افغان و شکست او در تسخیر گیلان و پیروزی محمدحسن خان بر او.
۱۲. دیدار محمدحسن خان با سران سپاه در اشرف.
۱۳. حرکت محمدحسن خان به شیراز و محاصره آن و نفاق در لشگر او و عزیمت او به مازندران.
۱۴. جنگ شیخ علی خان زند و محمدحسن خان و کشته شدن محمدحسن خان در ۱۱۷۲ ه. ق.
۱۵. حسین قلی خان و حرکت به سمت دامغان و استرآباد.
۱۶. تسخیر قلعه نمکه دامغان توسط حسین قلی خان.
۱۷. جنگ جهان سوز شاه با عوامل کریم خان در هزار جریب.
۱۸. تولد فتحعلی شاه.
۱۹. اختلاف آرا در زمان تولد فتحعلی شاه.
۲۰. واقعه کشته شدن فغان علی خان قاجار و تسخیر قلعه فوجرد.
۲۱. جنگ محمدحسن خان سوادکوهی با جهان سوز شاه و قتل سوادکوهی و تعیین علی محمدحسن خان زند از سوی کریم خان.
۲۲. تسخیر قلعه محمود و درود محله در استرآباد.
۲۳. جنگ حسین قلی خان با طویف کتول.
۲۴. تسخیر قلعه سپاه تلو.
۲۵. اعزام مهدی خان دادو توسط کریم خان به حکومت مازندران و جنگ حسین قلی خان با او.
۲۶. ماموریت ذکی خان زند از سوی کریم خان به سرداری مازندران و استرآباد.
۲۷. توفّق حسین قلی خان در جاجرم و جنگ با طویف گوکلان.
۲۸. ارسال باباخان به شیراز.
۲۹. رابطه جهان سوز شاه با طویف گوکلان.
۳۰. تاریخ بسطام و شهادت جهان سوز شاه پس از مراجعت از آن جا.
۳۱. آقامحمدخان از ولادت تارفتن به شیراز و از شیراز تا استرآباد.
۳۲. ورود آقامحمدخان به مازندران و مخالفت مرتضی قلی خان با او.
۳۳. اختلافات امرای زنده پس از مرگ کریم خان و مامور شدن علی

رقص را رامشگران از عشوه‌های نفر نظر
بس شگفتی‌ها به کار آن و این کردند باز
در بدلهای عقدهای پیچ پیچ افکندهایم
چون گره از زلگان عنبرین کردند باز»
* * *

مشخصات نسخه خطی تاریخ ملک‌آرا:
علی قلی (اقبال) چلاوی. تاریخ ملک‌آرا (تاریخ قاجاریه)، کتاب خانه ملک
به شماره ۴۶۱، خط نستعلیق، ۱۷۷ ورق چرمی، ص ۳۵۸۰ سانت، ۳۴۴ ص.

نسخه خطی تاریخ ملک‌آرا از تواریخ بسیار مهم و ارزشی اقبال دوره قاجاری
است که از برآمدن فتحعلی خان قاجار در منطقه استرآباد تا وقایع سال ۱۲۰۹ ه. ق.
یعنی اوآخر حکومت آقا محمدخان قاجار را در بر می‌گیرد. اقبال به دستور
محمدقلی میرزا ملک‌آرا، تاریخ قاجاریه را نوشت و به نام او ملقب کرد.
از این کتاب سه نسخه در کتابخانه‌های ملی، ملک و مجلس موجود است.
ابن یوسف شیروازی در جلد دوم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی درباره این
کتاب می‌نویسد: اقبال چلاوی، وقایع راتا آخر شعبان ۱۲۴۴ ه. ق. به رشته تحریر
در آورده است. ولی مرحوم محمد طاهری شهاب در شرح حالی که از اقبال در دوره
۳۸ مجله ارمغان اوردۀ می‌نویسد که در این کتاب حادث دوران اولیه قاجار تا تاریخ
۱۲۰۹ ه. ق. ثبت است. نویسنده خود در فهرست کتاب می‌گوید: من این کتاب
را در دو مجلد نوشت‌هم، جلد اول آن از ابتدای این سلسله تا پایان سرگذشت آقا
محمدخان و سپس در جلد دوم، کتاب را به دوران فتحعلی شاه اختصاص داده‌ام.
در حالی که از جلد دوم خبری نیست. و جلد اول آن نیز، هم در نسخه کتابخانه ملی
و هم در نسخه کتابخانه ملک تا وقایع سال ۱۲۰۹ ه. ق. را در بر می‌گیرد. به نظر
می‌رسد فهرست نویس کتاب خانه مجلس شورای ملی به نویشه مؤلف در فهرست
مطلوب توجه داشته است.

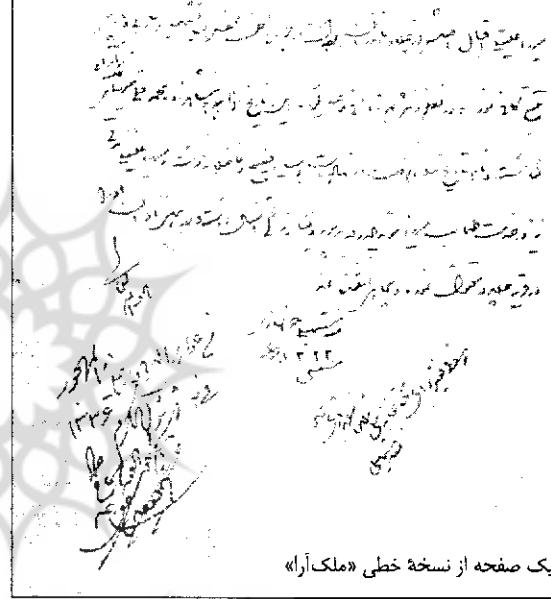
نویسنده در آغاز کتاب می‌گوید: این کتاب را در دو مجلد نوشت‌هم، در جلد اول
به تشریح انساب ترک به طور عمومی و طایفه قاجار به طور اختصاصی و دلیل
مهاجرت این طایفه در زمان شاه قلی خان قاجار از گنجه و توطّن در استرآباد
برآمدن فتحعلی خان قاجار تا پایان سلطنت آقامحمدخان قاجار و آن‌چه از روایات
و شنیده‌ها موجود بوده پرداخته است. در جلد دوم به شرح مختصّی از دوران
زماداری فتحعلی شاه و ویژگی‌های دولت او و در پایان به ذکر فرزندان ملک‌آرا،
با غها و عمارت‌او اشاره کرده است. از جمله ابتكارات مؤلف در ذکر اسامی این است
که هر یک از سلاطین را به جهت جلوگیری از تکرار اسامی به لقبی خاص برد
است. برای مثال: فتحعلی خان قاجار را خاقان مغفور، محمدحسن خان را سلطان
سعید، حسین قلی خان را جهان سوز شاه آقامحمدخان را حضرت ظل‌الله،
فتحعلی شاه را در جلد اول نواب جهانبانی و در جلد دوم حضرت صاحب قوانی و
محمدقلی میرزا، حاکم مازندران، را به ملک‌آرا و این کتاب را به نام او به تاریخ
ملک‌آرا ملقب کرده است. عنوانین مطالب کتاب از ابتدای تا انتهایه به ترتیب زیر است:

۱. حرکت فتحعلی خان از استرآباد به طرف اصفهان و کمک به سلطان
حسین صفوی و اعراض شاه صفوی از او و مراجعت او به منطقه استرآباد.
۲. حرکت فتحعلی خان به همراه تهماسب دوم صفوی به سوی خراسان و
سپس رفتن او به طرف تهران و جنگ با افغانها و بازگشت به دامغان.

تاریخ ملک آرا از تواریخ مهم و ارزشمند
اوایل دوره قاجار است که از برآمدن
فتحعلی خان در منطقه استرآباد تا وقایع
سال ۱۲۰۹ ه. ق.

یعنی اواخر حکومت آقامحمدخان قاجار را در بر می‌گیرد

مارجع مکمل علمه فی جهیره نوری مولی کنیت سید ابراهیم
وزیر شاه گردانی در دارالسلطنه اصفهان
در اوان پادشاهی امیر احمد خان ۱۲۷۲ هجری
وزیر شاهزاده احمد اول بزمی برخیزد
لکن رئیس



تصویر یک صفحه از نسخه خطی «ملک آرا»

۴۸. حرکت شیخ اویس خان از سوی علی مرادخان به مازندران.
۴۹. مخالفت مرتضی قلی خان با آقا محمدخان و شکست شیخ اویس خان در
ساری.

۵۰. حرکت آقامحمدخان به طرف اصفهان.
۵۱. تتمیم احوال مرتضی قلی خان و خانمه کار رضاقلی خان.
۵۲. حرکت آقامحمدخان به سمت قم و کاشان.
۵۳. جنگ آقامحمدخان با طوایف بختیاری و بازگشت آقامحمدخان به

تهران.

۵۴. جنگ والی کردستان. خسروخان و علی خان افشار با جعفرخان در حدود
همدان و فرار جعفرخان.
۵۵. حرکت آقا محمدخان به طرف عراق عجم.
۵۶. تسخیر گیلان و کشته شدن هدایت الله خان.
۵۷. حرکت آقامحمدخان به سمت اصفهان در ۱۲۰۱ ه. ق.

۵۸. ذکر جنگ جعفرقلی خان با امیر محمدخان طبسی در حدود اصفهان.
۵۹. حرکت آقامحمدخان به سمت شیراز.

۶۰. عراختلال اوضاع گیلان و اصفهان.

۶۱. حرکت آقا محمدخان به شیراز و جنگ با لطفعلی خان زند. ۱۲۰۳ ه. ق.
۶۲. روسی آوردن خسروخان. حاکم کردستان. به درگاه آقا محمدخان.

۶۳. ماموریت بایاخان به آذربایجان.

۶۴. پایان کار جعفرقلی خان.

۶۵. غلبه مرتضی قلی خان بر گیلان برای بار دوم و مامور شدن حاج رضا خان
قاجار به جنگ او.

۶۶. حرکت آقامحمدخان به سمت آذربایجان و تسخیر آن جا.

۶۷. ورود میرزا رضاقلی منشی‌الممالک به اصفهان و سپس شیراز به همراه
مصطفی قلی خان قاجار و جنگ مصطفی قلی خان با لطفعلی خان زند.

۶۸. حرکت آقامحمد خان به شیراز و شیخخون لطفعلی خان زند.

۶۹. در توصیف سور با سرور امیرزادگان اعظم حسین قلی خان و ابراهیم خان.
۷۰. حرکت آقامحمدخان برای تسخیر ولایت کرمان و ارسال بایاخان به آن
حدود.

۷۱. ذکر بازگشت سپاه آقامحمدخان به استرآباد و جنگ با طوایف یموت.

مرادخان از سوی زکی خان به عراق و مازندران و مخالفت امراه لاریجان با
آقامحمدخان.

۳۴. حرکت آقامحمدخان به تهران.
۳۵. جنگ‌های جعفرقلی خان و خان ابدال خان با رضاقلی خان و خوانین

لاریجان.

۳۶. ذکر هدایت الله خان گیلانی و جنگ جعفرقلی خان با او.
۳۷. حرکت مرتضی قلی خان از استرآباد به مازندران و جنگ با خان ابدال خان
و رهابی آقامحمدخان از بندهی.

۳۸. داستان جنگ بایا خان با قادرخان و صلح آقا محمدخان با مرتضی
قلی خان.

۳۹. خانمه امور اعیان زندیه و جنگ امیرگونه خان افشار با قاجاریه در آمل.
۴۰. حرکت آقا محمدخان به طرف سمنان و بسطام.

۴۱. ماموریت مرتضی قلی خان از سوی آقامحمدخان برای تسخیر گیلان.
۴۲. حرکت آقامحمدخان به طرف استرآباد.

۴۳. جنگ آقامحمدخان از گیلان به قزوین.
۴۴. حرکت آقا محمدخان از گیلان به قزوین.

۴۵. دستگیری کرافس خان سردار روس توسط بایاخان.
۴۶. سال ۱۱۹۷ ه. ق. و جشن و سرور بایاخان.

۴۷. حرکت آقامحمدخان برای تسخیر تهران.

کتاب به پیشنهاد محمدقلی میرزا ملک‌آرا
 فرزند فتحعلی شاه و به منظور
 تکمیل احسن‌التواریخ ساروی
 نگارش یافته از این روی اقبال چلاوی
 عنوان آنرا تاریخ ملک‌آرا
 نهاده است

اعمال بینه خوش نیست در مرغ، خوبی بر مطامعه ملک و داد و نفعی بر اموری و بیت مر
 ای سیان بزم شکر و هر زیر نیز بین کم نیاید، بون نیست بر وحکای آندر را
 بزم دست و دی وی دیگر نیست، ولی باست شاد، بزم پیکر، بزم داد و نفع، بزم نیز
 دوباره دیگر تصرف بمشتبه بین نهیجی و المأهوم ملک‌آرا بعد از این بزم بزم بگرد
 بگشایی چشم باشد از دزد و دز خود گویم که خود و باشتری نیز مادران نامه دارد و داد و نفع
 در غیر مسخر نیست و برعهده نیست آشت توجه در بزم اینها

۱۹۰۰



تصویر صفحه پایانی نسخه خطی «ملک‌آرا»

عادات بی‌ست ادات به پیراست... یا در باب ملک‌آرا می‌نویسد: نور حدقه خلافت
 و نور حدقه سلطنت مهمن پور پادشاه جهان و شهربار زمان... شاه زاده آزاده
 محمدقلی میرزا... زمانی که به او پیشنهاد تاریخ‌نویسی شد، ابتدا خود را لایق این
 امر ندانسته در این‌باره می‌نویسد: بارها مایل امتحان طبع مایل و خاطر ناقابل
 گشته در تعلیق و تتفیق می‌افت کرد متابعت نکرد و مجانب و درزید و می‌گفت از
 قطره خونی چه آید و از سوادی بسیطی چه زاید و چه گساید.
 می‌نگشاید ز سعی تو مشکل من

افسوس ز سعی‌های بی‌حاصل تو

مذت‌العمر از تراکم غبار عموم و انبوه اندواد جز اشک دمادم و سرشک پیاپی
 حاصلی ندیدم و گل مرادی نچیدم و در مقام انس و راحت دمی نگفتم و نیاسدم.
 سودم از سودات جز سودا نیود.

اما بعد به این نتیجه می‌رسد که:
 ذره را آفتاب برگیرد

مس به اکسیر نام زر گیرد

و بی‌تكلف دست قبول این تکلیف بر سینه نهاد و انگشت تسليم بر دیده.
 شکر خدای کن که موفق شدی به خیر

و انعام و فضل او نه معطل گذاشت

منت منه که خدمت سلطان همی کنی

منت شناس ازو که به خدمت بناشت

۷۲. حرکت آقامحمدخان به سمت کرمان در ۱۲۰۸ ه. ق.

۷۳. حرکت آقا محمدخان از اصفهان به سمت کرمان.

۷۴. حرکت آقامحمدخان به آذربایجان و تنبیه ابراهیم خلیل‌خان در ۱۲۰۹ هجری.

کتاب با نثر خاص دوره قاجار نوشته شده و پر از الفاظ ادیانه و منشیانه است.
 در آن اشعار عربی و فارسی به وفور دیده می‌شود و جملات مطوک عربی نیز به
 چشم می‌خورد و در برخی قسمت‌ها از آیات قرآنی نیز استفاده شده است. برخی
 اشعار از خود مؤلف است و برخی دیگر مربوط به شعرای گذشته می‌باشد ولی به
 ندرت به نام شاعر اشاره کرده است.

مؤلف در دیباچه به مدح خسروزان. فتحعلی شاه. و سبب تالیف کتاب و
 ستایش حاکم مازندران. ملک‌آرا. پرداخته است. از همان ابتدای دیباچه پیاست
 که نویسنده تا چه حد سرسری‌ده سلسله قاجار و آستان بوس درگاه آنها می‌باشد. از
 این روی در تذکره مورخان قاجاری به خیل مورخان درباری می‌پیوندد. در باب
 تولد شاه می‌نگارد:

دهر پر آشفته را نوبت سامان رسید

کشور بی‌ضبط را مژده که سلطان رسید

همای اوج شهر بال جلالت گشود

وز فر اوهان دهان اثر به کیهان رسید

* *

که بهر خدمت او سرنگون همی‌آیند
 به وقت مولد او از ارحام مادران طفلان

* *

ساحت دهر چون بهشت برین
 ارجمند چین تارک توست

تخت جمشید و تاج افربیون

آرزومند چین تارک توست

وی درباره حکومت فتحعلی شاه می‌نویسد: عرصه جهان را که به عرصه
 جنان است از عوارف عفو و عدل و فیض و فضل و باس و بسط و بذل بی‌توسط
 تصرف بیاراست و ساخت ملک را از شوابی آشوب و خاشک عدون طفات و طغیان

ساخت اولیک هست که بخانمی گفته شد: آن را نه بخواهی و مگرین که هر کس زبانهای دیگر را بخواهد و بخواهی کان ریکان
درینه ای داشتند که درین پیشگیری از خود خود خوبی داشتند و این چیز را دست کردند. و بخواهی کان ریکان
نهایتی بخواستند که از این ساده، بیرونیتی ریزی که از اینهاست کلی کمی عرف و باشد تغذیه ای از
جهانی قدر سه بار پس نهاد و درینه و میکس نهادند. اما اینها از خود خوبی صفت نداشتند. اما این درین میکس
و ایکسپرس بخانمیان را بخانمیانی و بخراجمیانی معرفه کردند. از اینهاست که اینهاست که اینهاست
که اینهاست که اینهاست که اینهاست که اینهاست که اینهاست که اینهاست که اینهاست که اینهاست

پنهانی است شناخت کرده خود را از همین میگیرد. هرچندی نکنندی یا چون آنها مطلع عالم
گرایان، غصه را میگیرند، غالباً ناشایستگی را میگیرند. هرچندی نکنندی سکس و
سکسی بحاجت یک سمت و صفات مخصوص است به کسری و افسوس و نکار احساس برداشتن این اتفاق
مقدار خود را بیان دهند و این سکسی بحاجت این است که فضیلین احتمال است که فضیلین
و بنی آن فضیل یعنی بخواهند، و این ناشایستگی بخواهند که این انتقام را اتفاق
آفکند و مسلماً این داد و داشت اندادی و غایی را احتمال اینستی و معاشر اینمدى دانسته و این اتفاق
شناخته باشی و اذابت و خوب شاد، درست مطهرو خوب شنیدی و مظہر سردار ای سبستان دین
همایششان گردید اثواب سفر عامل کیانات را بطلب آنکه همچوی عالمی سعی
مفصل کند اذابت، عالم علمی عین متدرون اینها هم، همچوی اینکه مجهول این اتفاق
مالی از این اتفاق عذر میگیرد، حق منشید، در این اتفاق ای انسان که بخواهد این اتفاق را باشد
و در این اتفاق ای انسان که نیز این اتفاق را باشد میگیرد، خوشحال شد، علی آنکه این اتفاق ای انسان که

سید احمد بن حنبل

تصویر دو صفحه آغاز نسخه خطی «ملک آرا»

مطلب کاملاً تردیدآمیز است.

نویسنده در خصوص طفیان حسین قلی خان جهان سوز و کشتار طایفه رقیب .
بوخاری باش . و قتل نماینده کریم خان در مازندران می نویسد: مقصودی که داشتم همان اخذ شار بود نه ایندی جاریا که پای عناد بر دم مار محمدالله که همگی شکار شاهین انتصار شدند و طمعه عقاب عقاب . از این مطالع این گونه استنبط می شود که هدف اصلی او دفع و قلع و قمع طایفه رقیب . بوخاری باش . بوده در بی درگیری با حکومت زندیه تبوده اند . به همین جهت بود که پس از بازگشت از جاجرم پسرش بباباخان . فتحعلی شاه بعدی . را نزد برادرش آقامحمدخان و به عبارتی به درگاه کریم خان زند فرستاد . نویسنده دلیل این امر را علاقه شدید آقامحمدخان به بباباخان ذکر کرده اما بعید بود که کریم خان با تحت فشار قرار دادن آقامحمدخان می خواست از بباباخان به عنوان گروگانی دیگر و مهمتر در شیراز سود ببرد . زیرا با توجه به حمله ای که حسین قلی خان به ساری نمود و سپاهیانش حاکم مازندران . محمدخان دادو . را درین اشرف [- پشههر] و ساری دستگیر کردند و سپس به دستور او در بار فروش به قتل رساندند و بعد هجوم مجدد او به بارفروش و فرار حاکم بعدی مازندران . - مهدی خان دادو . و نیز بی توجهی به نامه هایی که ظاهرآ آقامحمدخان از شیراز ارسال می داشت و در آن او را از کشتار و خون ریزی در مازندران منع می داشت دیگر تردیدی باقی نمی ماند که تیر انتقام جویی خون پدره در به دری و اسارت خانواده تنها متوجه طایف رقیب . بوخاری باش . بوده باشد و نیزی عمدہ ای (حکومت زندیه) که رقیب توائسته به مدد آن، اشاقه باش را سرکوب کند در تیررس انتقام قرار نگیرد . بنابراین مقصودش هم اخذ چار بود هم ایندی جار و هم گذاشتن پای عناد بر دم مار که الیته بنا به نوشته جان

در پاسخ به ملک‌آرا نسبت به نگارش کتاب فروتنانه اظهار داشت که محمد تقی ساروی تاریخ قاجاریه را کامل کرده است. مرا چه حد که در آن عرصه جلوه آشناز، همانا سامری را در ساحری با معجزات کلیمی ظفری نمایند و ماه منور را در ازای مهر منور خطری، سهها را در معرض خورشید ضیایی نیست و گذا را در محفل جمشید یهابی.

اما ملک‌آرا اظهار داشت که ساروی نتوانسته کیفیت احوال دوران آقامحمدخان را آن گونه که بایسته است ادا کرده و به حیر تحریر آورد.

مطالب کتاب تقریباً با مشابهیت‌های زیادی نسبت به تواریخ قاجاریه از نظر وقایع و رخدادها همراه است و جالب است که این اثر نیز همانند سایر تواریخ آن دوره در ذکر ماجراهای اسارت آقامحمدخان توسط برادرش - رضاقلی خان - دربارفروش، به تمجید از خاننان حلال خور پرداخته و او را در حقیقت منجی آقامحمدخان در توطئه‌ای که برای او ترتیب داده بودند معرفی کرده است.

در این خصوص سندی "به تاریخ ۱۲۰۴ ه. ق. موجود است که موضوع را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد این سند نامه آقامحمدخان قاجار در تاریخ ۱۲۰۴ به یک سادات روحانی است که در روستای ادملا در منطقه بندهی با ل سکونت داشته است. آقا محمدخان بر اساس این نوشته که به یکی از روحانیون روستای ادملا نوشته به جهت خدمتی که نامبرده در ماجراهی محاصره خان قاجار در بارفروش نسبت به وی انجام داده بود نه تنها از پرداخت مالیات متعاف گردیده بلکه عواید چند روستا را نیز به او اختصاص داده بود.

سپس آقامحمدخان تقدیر شدید خود را از جماعت حلال خور بنديی ابراز داشت آنرا از قدر نهاده و که این مهد نمشتنه‌ها، منابع دخصوص، این

سماوه و مهابیت، این دو نظرخواه و نموده پون صدیق، در آنکه از شاسته راه را که برگردانند و مطلع نمودند
سازند، در بحث فرمان اینها می‌باشد. این دو نظرخواه این بروز رضایت این اتفاق را می‌دانند، لکن همچنان
نه کنند صدفیسته بدانند، می‌بینند که خداش است تجربه زیگلری، که کوئلین این معنی ناد
کوئلریستند. سایه این درونه می‌دانند و نظرخواهی آنها و بقیه این کوئلریستند، که اینکه این مدعیان
به عالم درست شون سریع و بمال مبالغه اولی خواهند بمال رسیدند و سریع شون خود را آشنا
خواهند شد، اما این نیستند و این اکسپریان یکیش، منکرش می‌شون و همه اینها اینجا
بی خوبی نمی‌باشند، اما این میان برگلر این حقیقت را در دنیا و خود می‌دانند، اینها بدبختی است که این
صحت در دنیا آنها نمی‌باشد، بلکه این نظرخواهی از خود آنهاست که این عجیب کوئل این عذرخواهی است.
همچنانکه این بسیاری است و در جهان این شریعت، این احادیث یکی باشد، این بزرگیات بناهای باریست بدل
و از این دنیا که در عیشی شریعت است، همچنانکه این بسیاری است، که این احادیث در حقیقت می‌باشند
که بوقایی داشته باشند، بجزی این و بقیه این نظرخواهی این عذرخواهی و خود اینها نیز مدار داشته اند و کاملاً می‌باشند
که این انسان‌خواهی این نظرخواهی است که این احادیث این
یا این
حری حقیقی می‌باشد و این
تصویل این
که این
دولی صدر، اینها که نیز مدار دارند این این

تصویر دو صفحه از اواخر نسخه خطی «ملک آرا»

مهدی خان پرادر اقام محمدخان بود که ابراهیم خان ظهیرالدوله را زاد. بنا به دستور اقام محمدخان، فتحعلی شاه این زن را پس از مرگ شوهرش به عقد خود درآورد و به جز محمدقلی میرزا، دو دختر به نام‌های خدیجه خاتم و زینب خاتم را زین به دنیا آورد. محمدقلی میرزا تنها حاکم مازندران در سلطنت فتحعلی شاه بود. پس از مرگ شاه قائم مقام فراهانی او را به تهران احضار کرد و به همدان فرستاد و املاکش ضبط گردید (شرح حال رجال ایران، ج ۳، صص ۴۷۲-۴۷۳ / مؤلف مرآت‌البلدان در جلد دوم و سوم ص ۱۶۸۹ مرگ او را در ذکر و قایع سال ۱۲۸۹ هـ ق و مؤلف منتخب التواریخ شیبانی در ص ۷۱ در ذکر و قایع ۱۲۸۹ هـ = مکاری خان)

۶- هنایت در مجمع الفصحا و دیوان بیگی در حدیقه الشعرا نوشته‌اند: بالآخر او را در غریبه چلاو کشتند و به چاهی انداختند. (هنایتیه رضاقلی خان، مجمع الفصحا، ج. ۴، با مقدمه و حواشی مظاہر مصطفی تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۹، ص ۱۴۵ / حدیقة‌نشانش. ج اول، ص ۱۵۱). دیوان بیگی افسهه می‌کند: قاتل و سبب معلوم نشد. (حدیقه‌الشعراء، ج اول، ص ۱۵۱).

٧- مجمع الفصحى، ص ١٤٦

٨- در کتاب «مصطفیٰ خراب» اثر هلاکو میرزا، تصحیح عبدالرسول خیا
ص ٢٠ آمده: این خون شدن مشتبق به تیر دگر آمد.

٩- سفینه‌الله‌محمدی جلد دوم، ص ٦١٩ و مجمع الفصحى، ج ٣، ص ١٤٦

۱۱- مجمع الفصاحتاچ، اص ص ۱۲۲

۱۲- این سند را نگارنده این سطور در دست یکی از نوادگان آن روحانی که در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران تحصیل می کرده در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ دیده است

۱۳- پیری، جان. کریم خان زند (تاریخ ایران بین سال های ۱۷۴۷-۱۷۷۹ م). ترجمه علی محمد ساکر، تهران، نشرخانه ۳۶۴، ص ۲۰۴

پری چون برادر و خویشاں گروگان کریم خان بودند وی همواره مواظب بود تا اقداماتش به صورت شورشی مستقیم علیه کریم خان در نیاید.^{۲۰}

پیش‌نوشت‌ها

- ۱- چلاو دهستانی آباد و زیباست بر کنار جاده هراز و در فاصله ۲۵ کیلومتری امل بر ساحل راست هراز. (دیوان بیگی شیرازی، سینا محمد، حدیقة الشعرا، ج اول، با تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوابی، تهران: زیرین، ۱۳۶۴، ص ۱۵۱)
 - ۲- محمدعلی میرزا دولتشاه متخلص به «دولت» پسر فتحعلی شاه از زن گرجی او که در ۱۲۰۳ ه. ق زاده شد و در ۱۲۳۷ ه. ق تا زمان مرگ سرحددار عراقین و والی کرمانشاه و کردستان بود. (محمود میرزا فقایر، سفینه‌الحمدوم، ج اول، تصحیح عبدالرسول خیامپور، تبریز، ۱۳۴۶، ص ۲۴-۲۷ / بامداد مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۳، تهران: زوار، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۰)
 - ۳- تهماسب میرزا مؤبدالدله متخلص به «سورو» پسر دوم محمدعلی میرزا دولتشاه و داماد عباس میرزا نایب السلطنه بود که در ۱۲۹۷ ه. ق فوت کرد (شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۲۳)
 - ۴- همایون میرزا متخلص به «حشمت» پسر شانزدهم فتحعلی شاه و داماد میرزا شفیع بندهٔ مازندرانی صدراعظم بود که در ۱۲۱۶ ه. ق متولد و در ۱۲۷۳ ه. ق در سن ۵۷ سالگی به مرض شفاقوس (قانقایاریا) در تهران درگذشت (شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۴۳۰-۴۳۱)
 - ۵- محمدقلی میرزا ملک‌آرا پسر سوم فتحعلی شاه بود که در ۱۲۰۳ ه. ق در نواحی آمل از ایسیه خاتم زن دوم فتحعلی شاه دختر محمدخان فقایر زاده شد. مادرش، استنبان: